

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE WALL STREET JOURNAL.

تشدید اختلاف عربستان و امارات در یمن

تنش‌ها بین عربستان سعودی و امارات متحده عربی، دو متحد ایالات متحده، عمیق‌تر شد، زمانی که عربستان با رقبیب در حاشیه خلیج [فارس] اتمام حجت کرد. این مناقشه که به سرعت در حال بالاگرفتن است، با درگیری در یمن کلید خورد. نیروهای مورد حمایت امارات، از رقبایشان که مورد حمایت عربستان هستند، پیشی گرفتند تا کنترل قلمرویی غنی از منابع انرژی را در نزدیکی مرز عربستان به دست بگیرند. وزارت خارجه سعودی این حرکات را تهدیدی برای امنیت خود دانست و به امارات ۲۴ ساعت فرصت داد تا همه نیروها را از یمن خارج کند و به هر گونه حمایت مالی یا نظامی از هر نیرویی در این کشور پایان دهد: «اقدامات امارات به شدت خطرناک به حساب می‌آیند. پادشاهی [سعودی] تأکیدی کند، هر گونه تهدید علیه امنیت ملی‌اش، خط قرمز است و پادشاهی در کاربرد هیچ ابزار و اقدامی برای مواجهه با هر گونه تهدید این چنین و خنثی کردنش، تعلل نخواهد کرد.» در نمودی از لبریزشدن کاسه صبر، عربستان سعودی به نیروهای مورد حمایت در نزدیکی مرز حمله هوایی کرد و محموله‌هایی را بمباران کرد که می‌گفت تسلیحات ارسال امارات در بندر مکلانی یمن بودند. به گفته مقامات یمنی، عربستان اخیراً نیروهای یمنی هماهنگ با خود را هم در نزدیک منطقه مرزی مستقر کرده و چشم‌انداز درگیری با نیروهای مورد حمایت امارات را جدی‌تر کرده است. امارات، اتهامات عربستان را نادرست خواند و گفت هیچ اقدامی درباره امنیت عربستان نکرده است. امارات گفت محموله‌های مکلا سلاح نداشتند و کالاهای درون آن برای نیروهای اماراتی در یمن بودند. وزارت خارجه امارات گفت: «این وزارتخانه تأکید می‌کند واکنش‌ها به تحولات اخیر باید مسئولانه باشند، مانع تشدید تنش شوند و بر اساس حقایق تأیید شده باشند.»

این تشدید لحن، در شرایطی است که این دو قدرت در نقاط حساس منطقه، خود را در دو سوی مقابل می‌بینند، از یمن گرفته، تا سودان و سوریه. این در حالی است که دولت ترامپ، در مسیر بازتنظیم سیاست آمریکا در خاور میانه، به دنبال جلب حمایت هر دو بوده است. این تنش‌ها، چالشی دیپلماتیک پیش روی آمریکا می‌گذارند و تهدید گسترش تنش را در منطقه‌ای به همراه دارند که پیش از آن هم از دو سال جنگ آسیب دیده است. این شکاف، پیچیدگی ناخوشایندی برای آمریکاست، در شرایطی که سعی می‌کند ایران را مهار و قانع کند که دست از برنامه هسته‌ای‌اش بکشد.

محمد الباشا، بنیانگذار شرکت مشاوره امنیت خاورمیانه «باشا رپورت» در ایالات متحده می‌گوید: «تقابل کنونی امارات و عربستان در یمن، در چندین پرونده در حال شکل‌گیری بوده است. این پرونده‌ها، رقابتی ایجاد کرده‌اند که آرام‌آرام شدت یافته است. مسیر فعلی بعد از این اتفاقات، به سمت تشدید مداوم است. یمن در معرض تبدیل به منطقه دیگری است که در آن، رقابت مرزی تبدیل به تقابل علنی می‌شود.» او می‌گوید پیشگیری از این، نیازمند میانجیگری آمریکا خواهد بود. مارکو روبریو، وزیر خارجه ایالات متحده، نسبت به تحولات در یمن ابراز نگرانی کرد و خواستار خویشتن‌داری شد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، مدت‌هاست روابط صلح‌آمیز را با یکدیگر حفظ کرده‌اند و شرکای امنیت کلیدی آمریکا در منطقه هستند؛ اما تنش‌ها، آتش زیر خاکستر بوده‌اند و هر از گاهی شعله‌ور شده‌اند. شیخ محمد بن‌زاید آل نهیان، رئیس امارات و محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، در سال‌های اخیر بر سر این که چه کسی در خاورمیانه حرف آخر را می‌زند، منازعه داشته‌اند. دولت ترامپ، سرمایه‌گذاری سنگینی روی روابطش با قدرت‌های حاشیه خلیج [فارس] کرده است. رئیس‌جمهور ترامپ، بهار امسال سفری خبرساز به خلیج [فارس] داشت و ماه گذشته نیز در کاخ سفید، میزبان محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی بود.



روند تحولات غزه در سال جدید چطور ادامه می‌یابد؟

آمریکا، اسرائیل و غزه ۲۰۲۶



عکس: Reuters

متحده و اسرائیل یک مرکز هماهنگی نظامی مدنی مشترک یا سی‌اس‌سی برپا کرده‌اند. مکان این مرکز، جنوب اسرائیل نزدیک مرز غزه قرار دارد تا بر توزیع کمک‌ها و اجرای آتش‌بس در بازه موقت، نظارت کند.

علاوه بر این، ترامپ برنامه‌هایی برای انتصاب یک ژنرال دوستانه اعلام کرده که بناست رهبری ای‌اس‌اف را در غزه به عهده بگیرد. ترامپ البته وعده داده که سرپازی [آمریکایی] به میدان نفرستد، اما در شرایطی که آمریکایی‌ها هم کنترل چیدمان اداری و هم امنیتی غزه را در اختیار دارند، خطری واقعی وجود دارد که ایالات متحده، در کنار اسرائیل به اشغالگر غزه تبدیل شود. چنین سناریویی، موضع بین‌المللی آمریکا را بیشتر تضعیف می‌کند و به لحاظ بالقوه ممکن است نیروها و تجهیزات ایالات متحده را در منطقه و فراتر از آن، در معرض حملات مستقیم قرار دهد.

❖ قیمت حمایت از فلسطینیان در ۲۰۲۵ بالا رفت

باید این را روشن کرد: آمریکایی‌هایی که علناً از حقوق انسانی فلسطینیان ابراز حمایت کردند، اغلب در دوران بایدن هم، هزینه سنگینی می‌پرداختند. از بیکارشدن گرفته تا مواجهه با خشونت فیزیکی؛ اما در دوران ترامپ، این هزینه افزایش قابل توجهی داشته است. محمود خلیل، یکی از چندین فعالی بود که صرفاً به خاطر حمایت از فلسطین، هدف اخراج از کشور قرار گرفت. برخی از این فعالان، البته آزاد شده‌اند اما لقا کوردیا، یعقوب وینچاندره و دیگران همچنان در بازداشت هستند. دولت ترامپ، همانند دولت بایدن، به دنبال این بوده که انتقاد از اسرائیل را با یهودستیزی در هم بیامیزد، اما پیامدهای قضایی حاصل از این کار را تشدید کرده است: دولت یک گروه ویژه یهودستیزی تأسیس کرد، بودجه دانشگاه‌ها را مسدود کرد و تحقیقات روی «حقوق مدنی» با انگیزه‌هایی سیاسی و بر

در همین حال، نوار غزه عملاً تقسیم شده است: یکی منطقه شرقی تحت کنترل اسرائیل و دیگری نوار ساحلی و باریک که مدام هم کوچک‌تر می‌شود و در آن حماس هنوز فعال است و اکثریت قاطع ۲ میلیون ساکن غزه در آن متمرکز شده‌اند، در منطقه‌ای که حالا کمتر از ۴۰ درصد از قلمرو غزه است.

ویرانی نظام‌مند زیرساخت‌های غزه توسط اسرائیل هم ادامه یافته است. این شامل تخریب ۱۵۰۰ ساختمان از زمان آغاز آتش‌بس بوده است. علاوه بر طولانی کردن رنج مردم در غزه، حملات مداوم اسرائیل و نقض آتش‌بس در غزه، خطر فوری گسترده‌تر و در نهایت فروپاشی خود آتش‌بس را دارد. نتانیاهو که با بی‌میلی راضی به امضای توافق آتش‌بس شد، ممکن است در تلاش برای این باشد که حماس را به دام واکنشی نظامی بکشد، تا این بهانه‌ای برای ازسرگیری جنگی تمام‌عیار در غزه باشد. ترور رائد سعد، فرمانده ارشد حماس در روز ۱۳ دسامبر، آتش‌بسی را که پیش از آن هم متزلزل بود، تکانی دیگر داده و رنگ‌های هشدار را درون دولت [آمریکا] به صدا درآورده است. در گفت‌وگوهای خصوصی، ترامپ نگران است که نتانیاهو در حال خارج کردن برنامه صلح او از مسیر باشد.

❖ برنامه ترامپ و خطر همراهی آمریکا در اشغال

برنامه ترامپ، خواستار ایجاد یک هیئت بین‌المللی صلح یا بی‌اوپیی می‌شود که امور داخلی غزه را اداره کند. این شامل بازسازی و حکمرانی در آینده می‌شود و بناست خود رئیس‌جمهور ترامپ، رئیس آن باشد. همچنین بناست یک نیروی ثبات‌آفرین بین‌المللی یا آی‌اس‌اف هم بر امنیت در نوار غزه ناظر باشد. به فلسطینی‌ها که در شکل‌گیری برنامه مورد مشورت نبودند، نقشی محدودتر در حکمرانی بر غزه داده شده است. این به واسطه کمبته‌ای تکنوکراتیک خواهد بود که مستقیماً به بی‌اوپیی گزارش می‌دهد. در همین حال، ایالات

RS

حملات مداوم اسرائیل و نقض آتش‌بس در غزه، خطر فوری گسترده‌تر و در نهایت فروپاشی خود آتش‌بس را دارد. نتانیاهو که با بی‌میلی راضی به امضای توافق آتش‌بس شد، ممکن است در تلاش برای این باشد که حماس را به دام واکنشی نظامی بکشد، تا این بهانه‌ای برای ازسرگیری جنگی تمام‌عیار در غزه باشد

❖ جنگ اسرائیل در غزه، فقط اسماً تمام شده است

برنامه ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای غزه در ماه اکتبر، شامل آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها و زندانیان می‌شد. بعد از اعلام این برنامه، دنیا نفس راحتی کشید. حملات آخرالزمانی اسرائیل به غزه، لاقلاً ۷۱ هزار فلسطینی را کشته، شامل حدود ۲۰ هزار کودک، تقریباً تمام ۲/۳ میلیون ساکن غزه را آواره کرده و بیشتر زیرساخت‌های آن را نیز نابود، از جمله بیش از ۹۰ درصد از بافت مسکونی این منطقه. این جنگی است که یک کمیسیون تحقیقات سازمان ملل متحد و همین‌طور جمع‌فراینده‌ای از دانشمندان و گروه‌های حقوق بشری، آن را نسل‌کشی خوانده‌اند.

اما از ۱۰ اکتبر، زمانی که آتش‌بس رسماً اجرایی شد، اسرائیل به حملات مرگبار و دیگر عملیات نظامی ادامه داده و در این مدت بیش از ۴۰۰ فلسطینی را کشته، به‌رغم توافق آتش‌بس، اسرائیل به محدود کردن ورود کمک‌های انسان‌دوستانه، از جمله مصالح و مواد لازم برای ساخت سرپناه و دیگر اقلام اساسی، ادامه می‌دهد. در نتیجه این وضعیت، کودکان دارند از سرما می‌خ‌زنند و می‌میرند.

گزارش خبرنگار فلسطینی از وضعیت فلسطینیان در پایان ۲۰۲۵

غزه و ویرانی زندگی روزمره

❖ واقعیت خشن غزه

زندگی در غزه هیچ وقت آسان نبود، حتی در زمان‌هایی که دنیای بیرون «عادی» می‌خواندشان. برای بیشتر مردم، زندگی زیر سایه عدم قطعیت دائم سپری می‌شد. یاد می‌گرفتی که زیادی برای آینده برنامه‌ریزی، چون آرامش شکننده بود و همیشه موقت. بعضی روزها برق بود، زمانی که خیابان‌ها آرام‌تر به نظر می‌رسیدند و خانواده‌ها به خود اجازه می‌دادند، اندکی احساس راحتی کنند، اما همه می‌دانستند که این حس ممکن است هر لحظه نابود شود.

زیرساخت‌های غزه، بازتاب این وضعیت هستند. این زیرساخت‌ها، از مدت‌ها پیش از این دور آخر ویرانی در جنگ نسل‌کشان اسرائیل، شکننده بودند. دهها محاصره و راه‌بستن غیرقانونی اسرائیل، حملات نظامی مکرر و محدودیت‌های سخت‌گیرانه روی ورود مصالح ساختمانی به این معنا بود که سیستم‌ها همواره صرفاً با تعمیرهایی سراسری فعال بودند و همیشه برای بازه زمانی موقت و قرضی کار

می‌کردند. هیچ چیز هیچ وقت واقعاً احیا نمی‌شد. یکی از واضح‌ترین خسارات، برق بود. در سراسر نوار غزه، تاریکی استثنا نیست. تنها نیروگاه برق ما به شدت آسیب دیده و به خاطر کمبود سوخت، خاموش شد؛ نزدیک به ۸۰ درصد از ساختار انتقال برق، نابود شده است. شب‌های شهر غزه در تاریکی می‌آیند، در حالی که ساکنان در میان آوارها مشغول بازسازی هستند. برای خانواده‌ها، این خسارت،



ALJAZEERA



هانی محمود

خبرنگار مستقر در غزه

در طول یک سال گذشته، زیرساخت‌های غزه، متحمل واقعیتی ویرانگر بوده‌اند. زمانی که زیر فشار عمل می‌کرد، به وضعیتی فراتر از نقطه فروپاشی رانده شده است. شبکه‌های برق‌رسانی، سیستم‌های آب‌رسانی، بیمارستان‌ها، جاده‌ها و خدمات شهری، به شکلی نظام‌مند نابود شده‌اند یا آسیب شدید دیده‌اند و این باعث شده زندگی روزمره، در بقا خلاصه شود.

دیگر برای خانواده‌ها غیرعادی نیست که برنامه روزمره‌شان را حول صدای ژنراتورها بچینند، اگر اصلاً سوختی در دسترس باشد.

والدین و کودکان، ساعت‌ها صف می‌کشند تا چند لیتر آب ناایمن یا بسته‌ای نان بگیرند. بیمارستان‌ها تقریباً در تاریکی کار می‌کنند، پزشکان در مان‌ها و عمل‌هایی را که برای نجات جان بیمار است، با استفاده از نور گوشی‌های همراه انجام می‌دهند. خیابان‌هایی که زمانی بچه‌ها را به مدرسه می‌بردند، حالا تبدیل به تلی از آوار شده‌اند.

به اشکالی کوچک اما بی‌امان نمود می‌یابد. یک مادر، هر وقت ژنراتور همسایه موقتاً با خرخری راه می‌افتد، گوشی خود را شارژ می‌کند و می‌داند این ممکن است تنها شانس او برای تماس با خانواده باشد. بچه‌ها تکالیفشان را زیر نور شمع انجام می‌دهند، اگر اصلاً انجام دهند. بیخچال‌هایی مصرف مانده‌اند و غذا فاسد می‌شود. دسترسی به آب، به شدت دچار مشکل شده است. بمباران اسرائیل به چاه‌ها، تصفیه‌خانه‌ها و پمپ‌ها آسیب زده است. بدون برق یا سوخت، آب سالم را نمی‌توان استخراج یا توزیع کرد. در طول مدت گزارش‌هایمان از جنگ نسل‌کشان اسرائیل در غزه، ما حضور خانواده‌ها را مستند کردیم که با دبه‌های پلاستیکی صف کشیده‌اند و منتظر کامیون‌های آبی هستند که ممکن است برسند یا نرسند. وقتی می‌رسند، آب اغلب بوی نمک یا فلز می‌دهد، با طعمی تیز و ناآشنا. خیلی‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه همین آب را بنوشند. بچه‌ها به عفونت معده مبتلا می‌شوند. ضایعات پوستی پخش می‌شوند. شست‌وشو، تجملاتی می‌شود.

❖ اثر تجمیعی: زمین‌گیر شدن

بیمارستان‌ها که زمانی بیش از حد تحت فشار بودند اما هنوز کار می‌کردند، حالا در وضعیت بحرانی فعالیت می‌کنند. در طول یک ماه گذشته کار میدانی، از تأسیسات خدمات درمانی بسیاری بازدید کرده‌ام که آسیب دیده‌اند یا کاملاً از دور فعالیت خارج شده‌اند. آن‌هایی که هنوز کار می‌کنند، با کمبود شدید دارو، تجهیزات، برق و نیروی انسانی مواجه هستند. احساس افسردگی‌ام یادم هست که بعد از بازدید از دو واحد آی‌سی‌سی‌یو در شهر غزه و منطقه مرکزی نوار غزه داشتم. هر دو بیش از ظرفیت پر بودند و ناچار بودند در هر تخت دو بیمار بخوابانند. دستگاه دیالیز، زیر تهدید دائم قطعی برق کار می‌کرد. اتاق‌های عمل هم همین‌طور. اغلب در میانه جراحی، اتاق تاریک می‌شد. سخت‌ترین قسمت‌ماجر این است که تیم‌های درمانی اغلب مجبورند تصمیماتی غیرممکن بگیرند. درباره اینکه به چه کسی خدمات درمانی برسد و به چه کسی نه. فراتر